

لباس قبول شدم.

در دانشگاه با چه اساتیدی کار کردید؟

بهینه خوش نویسان، جلالی و چند نفر دیگر. در دوره دانشگاه در تئاتر هم طراحی انجام می‌دادم. پدرم هم چون علاقه‌ام را دید قانع شد و دیگر اصراری نکرد که شیمی بخوانم.

تحصیل در روند کاریتان تاثیر گذاشت؟

مدتی به عنوان مدرس در دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب تدریس کردم. دانشجویانم بسیار با انگیزه و در زمینه تئوری طراحی بسیار کارآمد بودند. اما در زمینه کار عملی چندان موفق نبودند. معتقدم اهالی این عرصه باید در حوزه عملی نیز فعالیت کنند تا ظرفیت‌هایشان بروز و ظهور پیدا کند. تحصیل در دانشگاه به تنهایی نمی‌تواند عامل موفقیت یک جوان باشد. در این سالها در حین کار با دستیارانم چالش‌هایی زیادی دارم.

یعنی به حرفهای شما گوش نمی‌کنند؟

اینکه در هر کاری دستیارانم را تغییر می‌دهم برای این است که سابقه کار عملی ندارند و از سر کلاس دانشگاه آمده‌اند و وسط کار و اغلبشان هم دستیاری کردنشان بهانه‌ای است برای ورود به حوزه بازیگری و غیره و بدون انگیزه و علاقه کارشان را انجام می‌دهند. آن موقع که پدرم در حوزه تهیه‌کنندگی بود می‌توانستم بدون هیچ زحمت و تلاشی وارد کار بشوم. یاد می‌آید سر فیلم «۱۳ گریه روی شيروانی داغ» دستیار سیامک احصایی بودم. فیلمی پر از بازیگران مطرح سینما مثل محمدرضا گلزار و مهناز افشار و در این فیلم برای بار اول از جلوه‌های ویژه استفاده شد و به خاطرش هم سیمرغ برد. در مرحله‌ای پدرم با احصایی دچار اختلاف شدند و روز بعد گفت از حالا تو طراح هستی و کارت را انجام بده. من در اتاق لباس را قفل کردم و گفتم تا احصایی سر کار نیاید قفل در اتاق باز نمی‌شود. شریفی نیا و پدرم و فیلمبردار گفتند این کار زشته نکن.

کوتاه آمدید؟

کوتاه نیامدم و بر خواسته‌ام با فشاری کردم و با این کارم ایشان به سر صحنه بازگشت و از من تشکر کرد.

پدرتان بابت واکنش شما چه کاری انجام داد؟

ابتدا عصبانی شد و فردای آن روز زنگ زد و احصایی برگشت سر کار. چند ماه بعد پدرم گفت کار خوبی کردی من آن موقع عصبانی بودم و هیجانی تصمیم گرفتم. طراحانی مثل احصایی و میر فلاح چون علاقه من را می‌دیدند می‌گفتند هر موقع که کارت در لباس تمام شد بیا در کارهای صحنه هم مشارکت داشته باش و با کمال میل می‌رفتم. این سالها به دستیار لباس می‌گویی که صندلی را آن طرف‌تر بگذار می‌گوید خانم صمدزاده به بچه‌های صحنه بگویید!

به هر حال این نوع واکنش‌ها، واکنش‌های نسل زد است...

بله، من آنقدر عاشق کارم بودم که می‌رفتم حتی گوسفند هم سر صحنه جا به جا می‌کردم.

در این سال‌ها که با جوان‌ها به عنوان دستیار کار کرده‌اید آیا دستياري بوده که طراح مستقلى بشود؟

چند تایی هستند. اما آدم‌هایی که سالهای زیادی دستياري کردند موفق‌تر هستند.

برسیم به اولین تجربه مستقل طراحی هنری

شما...

اولین تجربه مستقلم فیلم «آکواریم» مرحوم ایرج قادری بود. قبل‌تر از این فیلم در فیلم «نقاب» کار کرده بودم و فیلم پر سر و صدایی بود و اکران خوبی هم داشت و با مهرناز ضرابیان دو نفری طراح هنری این فیلم بودیم. البته خانم ضرابیان در بخش‌های کیش با گروه تولید به مشکل خورد و رفت و من تنها کار را انجام دادم. البته دوست نداشتم اسمم به عنوان طراح ذکر شود اما شریفی نیا گفت تو برای این کار خیلی زحمت کشیدی و باید اسمت به عنوان طراح بخورد. بعد از اتمام «نقاب» سال بعدش رفتم سر کار «آکواریم».

آیا کسی شما را برای حضور در این فیلم معرفی کرد؟

فرج حیدری به من زنگ زد و گفت عمو طرح‌های را بیار دفتر ایرج قادری. آقای حیدری از دوستان قدیمی پدرم بودند و در چند کاری که فیلمبردار بودند من هم کار می‌کردم و از من شناخت کاملی داشت و بسیار حرفه‌ای و درجه یک و نازنین بود. فکر می‌کنم زمان نگاتیو کارها حساس و با دقت‌تر انجام می‌شد. شاید یکی از دلالتی که بچه‌های جوان قدر کارشان را نمی‌دانند فضای دیجیتال است که کار را سهل و آسان کرد و باعث شد از خیلی از تجربه‌های مان عقب بمانیم.

بیشتر توضیح دهید...

به عنوان دستیار ارزش کار کردن چند ماهه را می‌دانستم و در کنارش خودم را ملزم می‌کردم که راش‌ها را هم ببینم و بیشتر مواقع طراح هنری می‌گفت وقت ندارد و من می‌رفتم راش‌ها را می‌دیدم. شرایط حالا تغییر کرده و چند مونیتور سر صحنه وجود دارد که صحنه‌های فیلمبرداری شده را نشان می‌دهد و همه آن را می‌بینند و اگر به کسی بگویند راش‌ها را نبین طرف فوری ناراحت می‌شود و همه دوست دارند در مورد کار اظهار نظر کنند. در حالی که یک نفر باید آنجا باشد.

آیا تا به حال سرچنین مسئله‌ای دچار چالش شده‌اید؟

نه، اگر خود من ایرادی در کار همکارانم ببینم آن را به عنوان ایراد کار خودم در نظر می‌گیرم و البته در خلوت به همکارم نظر می‌گویم و در جمع چیزی را مطرح نمی‌کنم. البته در بخش بازیگری هیچ وقت نظری ابراز نمی‌کنم.

در دوران کاریتان با خیلی از سوپر استارهای سینما همکاری داشته‌اید. آیا در زمینه لباس با برخی از آنها وارد چالش شده‌اید؟

خدا را شکر مشکلی در این زمینه نداشته‌ام. بوده بازیگری بگوئید فلان لباس را نمی‌پوشم. اما بعد از بازی در یکی دو پلان نظرش تغییر پیدا کرده و آمده جلو تشکر کرده است.

کدام بازیگران اسستار به خصوص خانم‌ها در زمینه لباس وسواس و دقت دارند؟

اغلبشان این دقت و موشکافی را دارند. در این سه دهه پیش نیامده بازیگری بایستد و بگوئید من این لباس را نمی‌پوشم. زیرا من همیشه در دوران پیش تولید یک گپ لباسی در وهله اول با کارگردان دارم و بر اساس موقعیت شخصیت در فیلمنامه نظراتم را در باره لباس عنوان می‌کنم. بعد از گرفتن نظر مثبت کارگردان، طرح‌ها را نقاشی و آماده می‌کنم و گپی هم با بازیگران می‌زنم...

آیا به خواسته‌ای که غیر از خواسته و ذهنیت شما دارند تن می‌دهید؟

تعامل می‌کنیم. پیش آمده که بازیگری پیشنهاد بدهد از رنگ‌های دیگر در پالت رنگی لباس‌هایش استفاده کنیم.

مثال بزنید...

ریمارامین‌فر در فیلم «هتل» گفت در پالت رنگی لباسش‌هایش به قهوه‌ای و کرم علاقه‌ای ندارد و چون دستم باز بود قبول کردم و رنگ‌های دیگری جایگزین کردم. نکته مهم در کارم این است موقعی که کاری را قبول می‌کنم معمولاً بیش از ده روز به شروع فیلمبرداری زمان می‌گذارم و در این زمان کارم را انجام بدهم. از آنجایی که طراحی پارچه و لباس خوانده‌ام برایم مهم است که نظارت کافی با تمرکز بالا روی درز لباس‌ها داشته باشم و اگر یک سانت لباس تنگ و یا گشاد باشد در صدد ترمیمش بر می‌آیم.

چقدر در طراحی لباس به تناسب اندام و چاقی و لاغری بازیگر توجه دارید؟

خیلی برایم مهم است. طراح لباس وظیفه‌اش این است که به این نکات توجه داشته باشد و طراح باید با طراحی لباسش به بازیگر کمک کند که مثلاً لاغر و یا چاق‌تر به نظر برسد. در فیلم «زن بدلی» رضا شفیعی جم کاراکتری

را بازی می‌کرد که مشغول رژیم لاغری گرفتن بود. چون اندازه سایز شفیعی جم لباس کمتر پیدا می‌شد رفتم دو تایی شرت خریدم و دادم خیاط گروه برایش تی شرتی سایز تنش بدوزد. آن دوران تنوع لباس و حضور برندهای نام‌آشنای پوشاک کم بود و باید برای یک آدم سایز بزرگ خیلی زمان صرف می‌کردیم تا لباس پیدا کنیم. جاهایی محدود مثل خیابان نوفل‌نوشاتو وجود داشت. در پیش تولید به شفیعی جم گفتم کاری می‌کنم که لاغرتر به نظر برسید. جمله‌بامزه‌ای به من گفت «من از این راه دارم پول درمی‌آورم و بیشتر به خاطر فیزیکم برخی از نقش‌ها به من پیشنهاد می‌شود و مردم چاق من را دوست دارند» و در جواب گفتم من در چارچوبی که فیلمنامه تعیین کرده حرکت می‌کنم. موقعی که با بازیگر حرف می‌زنم با چشمم تمام مختصات فیزیکی و ایرادات اندامی و چاقی و لاغری و... را اسکن می‌کنم و در انتخاب و دوخت لباس رعایتش می‌کنم.

این نکاتی که اشاره کردید در خیلی از فیلم‌ها و سریال‌ها در بخش لباس رعایت نمی‌شود؟

من رعایت می‌کنم و برایم مهم است. نکته‌ای که این روزها زیاد می‌بینیم این است که آقایان شلوارهای خیلی جذب اسکینی می‌پوشند. پوشیدن این نوع مدل عدم تناسب را تشدید می‌کند. در حالی که با پوشیدن یک شلوار راسته می‌توانید کمک کنید تا بالاتنه‌تان لاغر تر به نظر برسد.

یکی از کارهای شاخص شما در این چند ماهه اخیر سریال «فریبا» بود. به چه دلیل از لباس‌های اغراق آمیز و گل درشت برای شخصیت اصلی فیلم که یک فعال شبکه‌های مجازی بود استفاده کردید؟

سریال «فریبا» در باره رسانه و دنیای مجازی و زندگی زن بلاگری بود. من با خودم چالش‌های زیادی داشتم. زیرا اگر می‌خواستم در همه سکانس‌های سریال لباس این آدم را گل درشت طراحی کنم اتفاق عکسی رخ می‌داد. سعی کردم با سادگی و تنوع مدلی نشان بدهم که این زن برای ظاهرش خیلی اهمیت قائل است. این زن جاهایی که لایواز خودش می‌گرفت و در پیچش بارگذاری می‌کرد من لباس‌های گل درشت‌تری تنش کردم. در یکی از سکانس‌ها فریبا مشغول تبلیغ در استودیو بود و من لباسی سرخابی برایش طراحی و انتخاب کردم تا مناسب فضا باشد.

